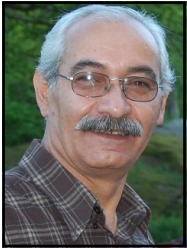


"کنگره ملی" طرح شکست خورده ناسیونالیسم کرد!



عبدال کلپریان

"کنگره ملی کرد" برگزاری اجلاس مشترک همه احزاب ناسیونالیست کرد در منطقه و تحقق آرزوی دیرینه آنان در هر چهار بخش کردستان، عراق، ترکیه، سوریه و ایران و یکی از تلاشهای همیشگی این احزاب در جهت دست یابی به یک "مجمع صفا" ۴

اعتصاب معلمین!



نسان نودینیان

و مریوان معلمین به اعتصاب سراسری پیوستند. اعتصاب معلمین در مریوان با میتینگ و قرائت بیانیه ای که خواست و مطالبات معلمین را منعکس میکند به پایان رسید. در اول بهمن ماه بیش از نیمی از معلمان مریوان از حضور در مدارس اجتناب کردند و حدود پانصد نفر از آنان در حرکتی اعتراضی در تقاطع مجاور اداره آموزش و پرورش تجمع کردند. بیش از هفتاد درصد از دبیرستانهای پسرانه و سی درصد از دبیرستانهای دخترانه و نیمی از مدارس ابتدایی پسرانه در این اعتصاب شرکت کردند. در پایان این تجمع بیانیه معلمان قرائت شد.

صفحه ۲

ده ها هزار از معلمین در سطح سراسری در ده ها شهر و از جمله تهران در روزهای سی ام دی و اول بهمن دست به اعتصاب زدند. اعتصاب معلمین برای حقوق و مزایای مکفی، امنیت شغلی و رفاه خود و خانواده هایشان انجام گرفت. در تهران بیش از ده مدرسه در نواحی مختلف به اعتصاب پیوستند. در شهرهای کردستان در سنندج و سقز

سه خبر خوب در ماه ژانویه و امید به گشایش روزنه های رهایی بشر



محمد آسنگران

– میلیونها نفر علیه تروریسم اسلامی در فرانسه به خیابان آمدند! مناطق وسیعی در سنگال و زومار از داعش پاک شد و – کوبانی هم گورستان داعش شد! – چپها در یونان پیروز انتخابات شدند!

خطر سقوط به دست داعش بود. روز دوشنبه ۲۶ ژانویه خبر بیرون راندن داعش از این شهر منتشر

صفحه ۳

را نگران کرده است. اجازه بدهید از آخرین خبر ماه ژانویه آغاز کنم که خبر بیرون راندن داعش از کوبانی بود. کوبانی بیش از چهار ماه در

اگر کسی فضای سیاسی دنیا را نگاه کند این اخبار از میان دیگر اخبار جهان جایگاه ویژه ای دارند. جایگاهی که مردم آزادیخواه را خوشحال و حاکمان و اسلامبستها

اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق



تهیه و تنظیم: یدی محمودی
yadi.mahmodi@gmail.com

معلمان در شهرهای کردستان دست به اعتصاب زدند



پانصد نفر از آنان در حرکتی اعتراضی در تقاطع مجاور اداره آموزش و پرورش تجمع کردند. بنا به این خبر بیش از هفتاد درصد از دبیرستانهای پسرانه و سی درصد از دبیرستانهای دخترانه و نیمی از مدارس ابتدایی پسرانه در این اعتصاب شرکت کردند. در پایان این تجمع بیانیه معلمان قرائت شد.

صفحه ۲

بنا به اخبار منتشر شده در روزهای ۳۰ دی و ۱ بهمن معلمان در شهرهای مریوان، سقز، سنندج، کامیاران، پاره و جوانرود دست به اعتصاب زده و از رفتن به کلاسهای درس خودداری کردند. مریوان: اول بهمن ماه بیش از نیمی از معلمان مریوان از حضور در مدارس اجتناب کردند و حدود

وحشیگری خاندان انگل آل سعود شناختند، بار دیگر ارتجاع منطقه و دولتهای همیشه طرفدار دزدان و جانبان غربی را به دور خود جمع کرد تا برای یکی از کثیف ترین مردان تاریخ اشک بریزند و با شرکت نیچپروان بارزانی، حکومت ناسیونالیستهای کرد هم به این ارکستر مشمز کننده و ارتجاعی پیوست.

در سال ۲۰۱۴ بیش از ۴۰۰ متکدی در شهر سلیمانیه دستگیر شده اند!

صفحه ۷

سفر نیچپروان بارزانی به عربستان سعودی!

برای شرکت در مراسم مرگ پادشاه عربستان سعودی، از طرف مسعود بارزانی، نیچپروان بارزانی نخست وزیر اقلیم کردستان روز یکشنبه ۲۵ ژانویه وارد ریاض پایتخت عربستان سعودی شد. لازم به ذکر است که پادشاه جنایت پیشه عربستان روز جمعه ۲۳ ژانویه در سن ۹۰ سالگی مرد. مرگ این دیکتاتور و جانی از طرف مردم آزادیخواه و برابری طلب دنیا که او را بعنوان نماد، دزدی، فساد، چپاول و

فاصله طبقاتی و گفته های یک آخوند مرتجع

صفحه ۲

نسان نودینیان

اعتصاب و تجمع زدند. برپایه گزارش مزبور، در جریان این اعتصاب دبیرستان هایی از جمله

صفحه ۳

شنبه ۳۰ دیماه، معلمان و دبیران شماری از مدارس مریوان در اعتراض به موضع دولت جدید در قبال وضعیت معلمین دست به

اعتصاب و تجمع اعتراضی معلمان شهر مریوان در مقابل آموزش و پرورش این شهر براساس گزارش رسیده، روز سه

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اعتصاب معلمان ۱ صفحه ۱



در سقز، اعتصاب گسترده تر معلمان به همراه دانش آموزان روز دوم ادامه داشت. بنا به خبر، اعتصاب معلمان در مقطع دبیرستان: هنرستان شهید بیدهدنی، تیزهوشان، شهید بهشتی، هنرستان آزادگان، اندیشه، فارابی، نمونه فجر، پروین اعتصامی، امام خمینی، شاهد هوشمند، نمونه الزهرا، طالقانی، انبیا، حضرت زینب، ستوده و در مقطع راهنمایی، اعتصاب در مدارس راهنمایی صلاح الدین ایوبی، توحید و امام شافعی. در سنندج، در سنندج نیز معلمان در همراهی با دیگر معلمان شهرهای کشور برای تامین خواست و مطالبات خود دست به تجمع اعتراض زده و نسبت به آنچه

بیان و تشکل و اعتصاب و اعتراض. ج/ آزادی معلمان زندانی و کلیه زندانیان سیاسی. د/ جمع کردن بساط آخوند و نمازخانه از مدارس. ن/ تعلیم علم بجای مذهب و جدا کردن کامل مذهب از کتب درسی و آموزش و پرورش. پ/ انتخابی بودن مدیران مدارس. ش/ تحصیل باید تماما رایگان باشد، اخاذی از خانواده ها ممنوع. س / يك وعده غذای گرم و رایگان به کلیه محصلان.

اعتصاب معلمان، نقطه آغاز اعتصابات گسترده تری در همه شهرها است. در شهر و روستاهای کردستان زمینه های اعتراضات گسترده علیه گرانی و بیکاری و فقر فراهم است. مردم در اشکال علنی از وضعیت کنونی و وضعیت معیشتی و بیکاری ناراضی و معترضند. در شهرهای کردستان شبکه های وسیعی در زمینه های اجتماعی کار و فعالیت میکنند. فعالین سیاسی و اجتماعی، جنبش برابری زنان، معلمان و کارگران و جوانان دارای تجارب قابل اتکایی هستند. جمع بندی این تحارب و ایجاد شبکه های محلی و سراسری به منظور سازماندهی اعتصاب های عمومی اهمیت دارند. دستاوردهای با ارزش اعتصاب معلمان را با ایجاد شبکه های وسیع اعتصاب گسترش دهیم. ***

فاصله طبقاتی و گفته های یک آخوند مرتجع
نسان نودینان

گفته و منبر رفتن آخوندها، ملاها و امام جمعه ها در شهرهای کردستان مایه مزاح و شوخی است. دلک باز این تعداد مزدور برای نظام جمهوری اسلامی مایه ای برای سود اندوزی فردیشان است. اخیرا يك ملاي احمق امام جمعه شهر سروآباد گفته است؛ "پرداخت زکات فاصله طبقاتی بین فقیر و غنی را

نامبارک خود میریزند. از این طریق الیگارش مالی خود را بهم زده اند. مزخرفات فاصله طبقاتی کارگر و مردم کارکن با اقشار غنی و ثروتمند پوششی است برای دزدی از جیب مردم. ماموستا سید احمد سجادی دزد سر راه و جیب بر حرفه ای است. اینها را افشا کنید. الیگارش مالی و جیب بری اینها را افشا کنید. ***

از صفحه ۱ معلمان در شهرهای ...

در این بیانیه آمده است: ما معلمان مقاطع مختلف تحصیلی شهرستان مریوان خواسته های برحق صنفی خود را به شرح زیر اعلام می نماییم: ۱/ آزادی فعالین صنفی در بند و لغو احکام محکومیت های قضایی و همچنین احکام مربوط به هیات تخلفات اداری فعالین صنفی. ۲/ اجرای بند ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری. ۳/ تاسیس بانک فرهنگیان. ۴/ تشکیک بیمه مستقل فرهنگیان. ۵/ رفع تفاوت شغلی فرهنگیان با کارکنان سایر وزارتخانه ها. ۶/ برابری حقوق کامل کارکنان زن و مرد. ۷/ ارائه هر چه سریعتر طرح رتبه بندی معلمان به مجلس. ۸/ ایجاد فضای مناسب جهت امنیت حقوقی و جانی معلمان. ۹/ اجرای بند پرداخت حق نوار مرزی به شهرهای مرزی کشور و بویژه شهرستان مریوان. حضور زنان معلم و همراهی دانش آموزان با اعتصاب چشمگیر بود.

سقز: اعتصاب گسترده تر معلمان به همراه دانش آموزان در روز دوم در سقز ادامه داشت. بنا به خبر، اعتصاب معلمان در مقطع دبیرستان: هنرستان شهید بیدهدنی، تیزهوشان، شهید بهشتی، هنرستان آزادگان، اندیشه، فارابی، نمونه فجر، پروین اعتصامی، امام خمینی، شاهد هوشمند، نمونه الزهرا، طالقانی، انبیا، حضرت زینب، ستوده و در مقطع راهنمایی، اعتصاب در مدارس راهنمایی صلاح الدین ایوبی، توحید و امام شافعی. در سنندج، در سنندج نیز معلمان در همراهی با دیگر معلمان شهرهای کشور خواهان تامین حقوق مکفی، بیمه درمانی کامل و برخورداری از يك زندگی انسانی، امنیت شغلی و بسیاری دیگر از خواست ها و مطالبات برحق هستند که شایسته معلمان است. باید از اعتصاب، اعتراض و خواست و مطالبات معلمان حمایت کرد.

اعتصاب معلمان در روزهای گذشته، میتواند نقطه آغاز اعتصابات گسترده تری در همه شهرها باشد. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری از اعتصاب و اعتراض معلمان و خواست های بحق آنها حمایت میکند و همه معلمان و دیگر بخشهای مختلف مردم را به حمایت و تقویت اعتصاب معلمان تا دستیابی به همه خواسته های آنان فرا می خواند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۲ بهمن ۹۳ ۲۲ ژانویه ۲۰۱۵

بر خورداری از یک زندگی انسانی
شایسته همه معلمان است!

از اعتصاب، اعتراض، خواست و مطالبات معلمان حمایت کنیم!



از صفحه ۱

سه خبر خوب در ماه ژانویه و ...



شد. این خبر بسیار خوشحال کننده ای برای مردم آواره این مناطق و همه مردم آزاده دنیا بود. زیرا تروریستهای اسلامی داعش نه تنها از تصرف این شهر بازماندند، بلکه بطور کلی از شهر بیرون رانده شده و آغاز عقب نشینی آنها در دیگر مناطق کوبانی میتواند برای دهها هزار مردم آواره، نوید بخش بازگشتن به سر کار و زندگی خود باشد. در عین حال این خبر هنگامی اتفاق افتاد که قبلا داعش با تلفات بسیار بیشتری مناطق قابل توجهی از شنگال و زومار را از دست داده بود.

بیرون راندن داعش از زومار و مناطق بسیار وسیعی از شنگال که طبق اخبار فقط در یک روز جنازه ۲۰۰ نفر تروریست در میدان جنگ بجامانند، نشاندهنده فاز دیگری از جنگ با تروریستهای اسلامی بود. دوره ای که داعش در حال عقب نشینی و تدافعی قرار گرفته و نیروهای مخالف در حال بازپس گیری مناطق تحت اشغال اسلامیها هستند. هنگامیکه در میدان جنگ در

جبهه های کردستان عراق و بعدا کردستان سوریه داعش دچار تلفات شد و مناطق وسیعی را از دست داد، پیروزی علیه تروریستهای اسلامی فقط محدود به میدانهای جنگ نماند، بلکه در فرانسه و دیگر کشورهای جهان با محوریت پاریس تعرض به این جنبش اسلامی ابعاد تازه ای به خود گرفت.



با به خیابان آمدن میلیونها انسان آزاده علیه تروریستهای اسلامی از نظر سیاسی و استراتژیک جامعه بشری وارد فاز تازه ای در مقابله با این جنبش شد. مهم این است که همه جریانات چپ و آزادیخواه اهمیت و جایگاه این تعرض و فاز تازه را متوجه بشوند. این فاز دوره ای را به ما نشان میدهد که تروریسم اسلامی افسار زده میشود و در حال عقب نشینی در همه جبهه ها خواهد بود. این عقب نشینی در جبهه های کردستان فقط گوشه کوچکی از شکست اسلام سیاسی و نیروی خونی این جنبش به اسم داعش است. اما ابعاد و عمق و وسعت مقابله و آغاز شکست

اسلام سیاسی را مردم پاریس کلید زدند.

ناقوس آغاز خرد شدن استخوانهای جنبش اسلام سیاسی ابتدا در پاریس شنیده شد. امروز اگر در شنگال و کوبانی ما شاهد شکست نظامی تروریستهای اسلامی از گور برخاسته هستیم، باید متوجه این حقیقت باشیم که حرکت میلیونی مردم آزاده فرانسه پیشقراولان این پیروزی هستند.

اما همزمان با آغاز تعرض مردم متمدن دنیا علیه اسلام سیاسی و آغاز شکستهای نظامی داعش در جبهه های کردستان عراق و سوریه، ما شاهد عقب نشینی و زبونی بخش دیگری از همین جنبش در ایران هستیم.

اما همزمان با این جدال وسیع علیه اسلام سیاسی که ابعادی جهانی بخود گرفته است، ما در اروپا شاهد سنگر بندی از نوع دیگر و آغاز دور تازه دیگری هستیم. که این دوره را دوران بازگشت چپها نامیده اند.



سنگر بندی تازه ای که از یونان آغاز شده است، تاثیرات و ابعاد

بسیار وسیع و تحول بخشی را نوید میدهد. اگر جدال اولی مردم آزادیخواه علیه جنبشی از گور برخاسته اسلامی و خونریز است و وصله ناجوری بر تن بشر قرن بیست و یکم است و با پیشتازی پاریس در حال پیشروی است، این آخرین مورد در یونان با پیروزی چپها و تشکیل دولت به رهبری آنها، تعرضی بسیار مهمتر و جدی تر از اولی است. این یکی تعرض به جبهه بورژوازی نیولیبرال است که با پرچم دمکراسی و بازار آزاد مردم جهان را با کابوس فقر و جنگ و نا امنی مواجه کرده است. تعرض به جنبش و آلترناتیوی است که خود را آخر خط پیشرفت جامعه بشری معرفی کرده بود.

پیروزی چپها و شکست بورژوازی مدافع بازار آزاد و دمکراسی در انتخابات یونان فقط شکست بورژوازی یونان در یک انتخابات نیست. این شکست الگوی کل سیستم دمکراسی متکی بر بازار آزاد است که به جهان مخابره شده است. اینکه چپ یونان چکار خواهد کرد و آیا این پیروزی را میتواند تعمیق ببخشد یا نه بحث ماهها و احتمالا سالهای بعد است. باید امیدوار بود چپ اسپانیا هم به همین روند وصل بشود و این جبهه را تقویت کند.

اما در قدم اول و برای اولین بار در قرن بیست و یکم پیروز این انتخابات در یونان هنگامیکه با دسته گل بر مزار کمونیستهای یونان که در جنگ با فاشیسم جان باخته

بودند حضور پیدا کرد، اسم کمونیسم و احترام به کمونیستها وارد فضای دیگری شد. در همین اولین قدم یکی از تابوهای بورژوازی بازار آزاد و دمکراسی دروغین بورژوازی لیبرال ترک خورد. این آغاز دوره ای است که کمونیستها میتوانند هم امیدوارتر و هم بازیگران مطرحی در سیاست دنیای امروز باشند.

کمونیستی که این تحولات فوق را نبیند و خود را برای جنگ در میدانهای سیاست مبارزه طبقاتی این دوره آماده نکند و دستبکار نشود، راهی بجز در حاشیه ماندن و به خیل فسیلهای سنتی قبلی وصل شدن نخواهد داشت.

اما چپهای قدیمی و تاکنونی هر سیاست و جتهی را در پیش بگیرند، يك امر واضح و قطعی به نظر میرسد و آن اینکه: این پیروزیها و جدالهای نامبرده فوق محورهای هستند که نسل تازه چپ و کمونیستهای امیدوار و پیر انرژی را به میدان جدال مبارزه طبقاتی خواهد کشاند و کادر و سیاستمدار و سخنگو و رهبر و فعال خود را میسازد و به جلو سوق میدهد. جامعه بشری با پیشتازی این نسل و این دسته از کمونیستها، روزنه های رهایی را به روی کل بشریت میگشاید و این نیاز زمانه ما است و نباید در آن شک کرد.

۲۷ ژانویه ۲۰۱۵

۵. رفع تفاوت شغلی فرهنگیان با کارکنان سایر وزارتخانه ها ۶. برابری حقوق کامل کارکنان زن و مرد ۷. ارائه هر چه سریعتر طرح رتبه بندی معلمان به مجلس ۸. اجرای بند حقوقی معلمان ۹. پرداخت حق نوار مرزی در شهرهای مرزی کشور و به صورت خاص میروان

اعتصاب دهها معلم در سفر

روز سه شنبه سیام دی ماه، شمار چشمگیری از معلمان مدارس سقز به نشانه اعتراض به وضعیت نامناسب آموزش و پرورش، دست به اعتصاب زدند. بیش از نیمی از معلمان در اتاقهای دبیران مدارس

صفحه ۶

پرورش میروان تجمع باشکوهی برگزار کردند و در پایان بیانیه ای که بدین مناسبت صادر شده بود توسط لقمان ویسی عضو انجمن صنفی معلمان استان کردستان قرائت گردید. متن بیانیه صادر شده به دین شرح است.

فرهنگیان عزیز: تجمع امروز ما بنا به جهت وضعیت منزلت و معیشت نامطلوب جامعه فرهنگی است که در سالیان اخیر هرگز روند رویه رشدی نداشته و متأسفانه تاکنون وعده های مکرر دولت ها جهت تغییر این وضعیت جنبه عملی نیافته است. خواست های جامعه فرهنگی به بهانه هایی چون مصرفی بودن آب نادیده گرفته می شود و چنین است که شأن منزلت معلم



اداره آموزش و پرورش رژیم در شهر میروان تحصن خواهند کرد. همچنین آخرین اخبار رسیده حاکی از این است که ساعت نه و نیم صبح روز چهارشنبه تا یک بعدظهر حدود پانصد تن از معلمان زن و مرد میروان در مجاورت اداره آموزش و

«وحدت، شریعتی، شاهد و خمینی» تعطیل شدند. همچنین تعدادی از معلمان نیز روز سه شنبه در مقابل آموزش و پرورش رژیم در شهر میروان دست به تجمع اعتراضی زده و اعلام کرده اند: «روز چهارشنبه اول بهمن ماه نیز بار دیگر در مقابل

از صفحه ۱ "کنگره ملی کرد" طرح...

نظامی آمریکا به عراق، فروپاشی بلوک شرق و به یمن اوضاع و تحولات جهانی و منطقه ای، سکان امور در کردستان عراق بدست حزب بارزانی و اتحادیه میهنی طالبانی افتاد. موجودیت حکومت اقلیم کردستان عراق که اکنون بیش از دو دهه از استقرار آن میگذرد، برای تمامی احزاب جنبش ناسیونالیست کرد در هر چهار بخش کردستان، بعنوان نقطه امید و سکوی پرشی در راه رسیدن به "کنگره ملی کرد" و نهایتاً رویای کردستان بزرگ نیز بوده است.

نزدیکی بین احزاب و نیروهای ناسیونالیست کرد به تحولات و روند اوضاع سیاسی در منطقه مربوط است که بنویه خود متأثر از روندهای کلان اوضاع و تحولات سیاسی جهانی است. نکته دیگر ماهیت رقابت در میان احزاب ناسیونالیست کرد است. رقابت و برتری طلبی بین احزاب ناسیونالیست کرد بر بستر "جنبش ملی" و تا رجوع به قومگیری بعنوان خصلت نمای این جنبش، بارها این احزاب را با برخورداری از پتانسیل بالا در جنگ با یکدیگر در مقابل هم قرار داده است. تاریخ احزاب و جنبش ناسیونالیسم کرد در منطقه برای کسب هژمونی یکی بر دیگری، خونبارترین جنگها را تاکنون نشان داده و به ثبت رسانیده است.

برای ناسیونالیسم کرد "کنگره ملی" قرار بود به لحاظ، آرمانهای ملی، ایدئولوژیک و سیاسی در یک "اتحادیه کردی" حداقل آنان را بعنوان نیروی مطرح و سمبولیک دور هم جمع کند. یکی دیگر از دلایل عدم توفیق "کنگره ملی"، عدم تناسب و تقارن شرایط و اوضاع سیاسی، اجتماعی کنونی و سطح توقع و انتظارات جامعه با آرزوهای ناسیونالیسم کرد است. ناسیونالیسم کرد تحقق آرزوهای اوایل یا اواسط قرن بیستم را همچنان در مخیله خود جستجو میکند اما اوضاع و شرایط دهه دوم قرن بیست و یکم این امکان را از دسترس جنبش ناسیونالیسم کرد بدور نگه داشته است. از این رو تنها راهی که برای احزاب و نیروهای ناسیونالیستی متصور است این است که دست در دست دولتهای منطقه و بر بستر شکافها و هرج و مرج حاکم بر اوضاع خود را با شرایط کنونی وفق دهند و در پرتو سیاستهای آنان قدم بردارند.

حاکمیت اقلیم کردستان و افق و اهداف احزاب ناسیونالیست بخشهای دیگر کردستان، اکنون بیش از دو دهه است که در تلاش برای وفق دادن خود با چنین شرایطی هستند. احزاب حاکم بر حکومت اقلیم کردستان در بیش از دو دهه گذشته رسماً در دایره جنبش افق و سیاستهایی در تلاش برای این هماهنگی بوده و دارند آنرا ادامه

میدهند. پ ک ک و اوجلان در کردستان سوریه افق آشتی با دولت ترکیه را به سیاست و خط مشی خود تبدیل کردند. در کردستان سوریه احزاب دخیل در اوضاع و تحولات آنجا بعضاً در همکاری با بشار اسد، بعضاً در هماهنگی با دیگر نیروهای درگیر در منطقه و در مواردی با دید و بازدید و گفتگو با سران حکومتهای منطقه و دولتهای غربی در تدارک همخوان نمودن خود با اوضاع جدید هستند. احزاب و جریانات ناسیونالیست کرد اپوزیسیون جمهوری اسلامی، انتظار در اردوگاههای لب مرز، سرگرم شدن و دیدارهای پنهانی با مقامات وزارت اطلاعات و فرماندهان سپاه پاسداران جمهوری اسلامی و چشم دوختن به حکومتی که مردم منتظر سرنگون کردنش هستند، به "مبارزه" برای آنان تبدیل شده است. در حالیکه قدرتهای جهانی و منطقه ای با یک بحران جدی سیاسی، اقتصادی و منطقه ای روبرو هستند، حتی تحقق یک "کنگره ملی" فرمال و کاغذی برای احزاب ناسیونالیست کرد به آرزویی دست نیافتنی تبدیل شده است.

"کنگره ملی کرد" آیا پیش در آمدی برای رویای کردستان بزرگ است؟

"کنگره ملی کرد"، در سوخت و ساز احزاب و نیروهای متعلق به جنبش ناسیونالیسم کرد، نوعی اعلام وفاداری این جنبش و احزاب تشکیل دهنده آن به آرمانهای ملی و میهنی است. "کنگره ملی کرد"، ظرفی است که احزاب تشکیل دهنده آن با اتکا به تعلق ملی و حزبی، استراتژیها آرزوی "کردستان بزرگ" را هم برای خود ترسیم میکنند. احزاب جنبش ناسیونالیسم کرد این را میدانند که "کنگره ملی کرد" برای نزدیک شدن به آرمان "کردستان بزرگ"، با روند تحولات سیاسی در جهان و منطقه، با توقع و انتظارات مردم و نسل جدید در شرایط کنونی عصر حاضر ابداً خوانایی ندارد. "کردستان بزرگ" نه تنها با آرمانهای نسل امروز، تحولات سیاسی منطقه و شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی زندگی مردم در هر چهار بخش کردستان امری غیر واقعی و غیر ممکن است بلکه "کنگره ملی کرد" بعنوان پیش درآمد چنین آرزو و رویایی، خود به

شکست کشیده شده و از گردونه خارج شده است. شکافهای گذشته و حال در صفوف احزاب و نیروهای ناسیونالیسم کرد عمیق تر از توافقات تاکتیکی، مصلحت جویانه و منفعت خواهانه شان است.

احزاب ناسیونالیست کرد مستقیماً بصورت علنی و رسمی از "کردستان بزرگ" حرفی نمی زنند چرا که آنان خود بخوبی به این امر واقف هستند که تاریخ مصرف آن سپری شده است. احزاب جنبش ناسیونالیستی کرد در محدوده کردستان عراق که قدرت محلی را در دست دارند حتی از عملی ساختن طرح استقلال کردستان عراق پرهیز میکنند. طرح و پروژه "کنگره ملی" در بهترین حالت تلاشی بود برای رایج ساختن فرهنگ و ادبیات ملی و میهنی ناسیونالیسم کرد. بی دلیل نبود که بعد از وقایع کردستان سوریه و جنگ در کوبانی و حتی قبلتر از آن، بکاربردن عبارت "روزآوا" کردستان" (غرب کردستان) وارد ادبیات احزاب و نیروهای ناسیونالیست کرد شد و از این طریق تلاش کردند اقلاً در گفتار هم که شده واژه های جغرافیایی "کردستان بزرگ" را به فرهنگ عمومی در میان جنبش ناسیونالیسم کرد تبدیل کنند. بکار بردن واژه "روزآوا" بمعنی غرب کردستان به مفهوم هر چهار بخش آن است. "باشور کردستان" یا جنوب، به محدوده کردستان عراق اطلاق میشود. "باکور کردستان" یعنی شمال و به محدوده کردستان ترکیه، و بالآخره "روزه لاتی کردستان"، به قسمت شرقی در کردستان ایران گفته میشود. اطلاق این واژه ها در بیان ناسیونالیسم کرد یعنی دل خوش کردن به رویای کردستان بزرگ. در حال حاضر هم در تمامی میدیا و رسانه های تبلیغی احزاب ناسیونالیست در قدرت و بیرون از قدرت در هر چهار بخش کردستان، با همین عبارات و واژه ها از محدوده های جغرافیایی اسم برده میشود. متأسفانه در این اواخر "چپهایی" هم بودند که دنباله کارگیری همین ادبیات شدند و دانسته یا ندانسته همین واژه های جغرافیایی را به تبعیت از ناسیونالیسم کرد بکار میبردند.

برای ناسیونالیسم کرد وارد کردن این واژه ها برای بیان موقعیت شمال، جنوب، شرق و غرب مسئله

ای اتفاقی در اطلاق جهت یابی جغرافیایی نیست. بلکه مفهومی عمیقاً "ملی" و بیان کننده آرزوهای دوران سپری شده جنبش و احزاب ناسیونالیست کرد در آن نهفته است که جهت یابی محدوده های مرزی "کردستان بزرگ" را حداقل در افکار عمومی بعنوان یک واقعیت فرضی و داده شده به فرهنگ عمومی القا کند. برای ناسیونالیسم کرد رویای کردستان بزرگ چیزی شبیه به حکومت فعلی اقلیم کردستان عراق اما در مقیاسی بزرگتر است که بازیگر صحنه سیاسی در منطقه باشد و تمامی احزاب ناسیونالیست کرد در حاکمیت و در دامن این رویای بزرگ شریک و سهم باشند. در حال حاضر این بازیگر در مقیاسی نسبتاً کوچکتر در کردستان عراق حی و حاضر در صحنه سیاسی و اقتصادی منطقه مشغول ایفای همان نقشی است که در مقیاس چهاربرابر میتوانست ایفا کند. با نگاهی اجمالی به روند اوضاع و شرایط تاریخی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در هر چهار بخش کردستان، رویای کردستان بزرگ فقط یک توهم است و با نگاهی به صفوف آشفته و درهم ریخته، رقابت و اختلاف در صفوف احزاب ناسیونالیست کرد "کنگره ملی کرد" نیز در تابوت قرار گرفته است. در حالیکه دو حزب اصلی در حاکمیت کردستان عراق، بارزانی و طالبانی علیرغم طرحی ارائه شده به پارلمان حکومت اقلیم مبنی بر داشتن یک نیروی نظامی واحد در اقلیم کردستان، هیچکدام حاضر به پذیرش چنین مصوبه ای که نیروهای مسلح خود را زیر یک سیستم واحد نظامی قرار دهند نیستند، سرنوشت پدیده "کنگره ملی کرد" کاملاً روشن است. از سوی دیگر کارنامه حکومت کنونی اقلیم کردستان عراق متشکل از احزاب بارزانی، طالبانی و دیگر احزاب اسلامی و با مدل، افق، سیاستها و عملکردها در بیش از دو دهه گذشته نشان داده شده است که نه در یک "کردستان بزرگ" بلکه در یک محدوده کوچکتری نظیر حکومت اقلیم کردستان عراق بر سر سهم خواهی و رقابت از سوی این احزاب، چه تراژیدی های هولناکی می تواند رخ بدهد.

از صفحه ۴ "کنگره ملی" طرح ...

فاکتورهایی که "کنگره ملی کرد" و دیگر آرزوهای ناسیونالیسم کرد را غیر ممکن ساخته است

یکی از فاکتورهای مهمی که "کنگره ملی کرد" را برای رسیدن به رویای کردستان بزرگ غیرممکن کرده است، ویژگیهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و تاریخی در چهار بخش کردستان است. تاریخاً مناسبات اقتصادی، اجتماعی و اوضاع سیاسی متفاوت در ایران، ترکیه، سوریه و عراق، امکان و اجازه تحقق آرزوهای "بزرگ" را غیر ممکن کرده این است. انتگره شدن مناسبات اقتصادی، اجتماعی، طبقاتی و فرهنگی مردم ساکن در هر یک از بخشهای کردستان در روابط و مناسبات با دیگر شهروندان هر یک از این چهار کشور به قدمت یک قرن سبب شده است که مردم و شهروندان هر یک از این کشورها برای دست یابی به خواستههایشان و در تمایز با افق و اهداف ناسیونالیسم کرد، مبارزه ای مشترک علیه حکومتهای مرکزی را بعنوان افق و اهداف خود تعیین و دست نشان کنند. روند تحولات تاریخی تا کنون این واقعیت را به ثبت رسانیده است. کردستان عراق بنا به دلایلی که پیشتر در مورد طرح استقلال کردستان عراق از آن بتفصیل گفته شده است، ویژگی و تفاوت خود را دارد.

کردستان سوریه

در سال ۲۰۱۱ علییرغم تحولاتی که بعد از انقلابات موسوم به بهار عربی بوجود آمد و کردستان سوریه را در شکل کنونی قرار داد، بجز وفاداری ملی احزاب سیاسی کنونی، نه تنها کوچکترین نشانه ای از آمیختگی کردستان سوریه با حکومت اقلیم، چه از نظر اداری، جغرافیایی و سیاسی وجود ندارد بلکه اختلافات و رقابتهای بیشتر از هر نوع نزدیکی و همکاری بین آنان قابل مشاهده است اما خواست و مطالبات واقعی و انسانی شهروندان در کردستان سوریه نه در دوران خاندان اسد و در شرایط کنونی متحقق شده است. در صورت تبدیل شدن کردستان سوریه به ساختاری شبیه به حکومت اقلیم کردستان عراق و یا در اشکال کانتونهای سه

گانه، سهم مردم کردستان سوریه همان است که در کردستان عراق هست.

کردستان ترکیه

این روند در تحولات کردستان ترکیه نیز با توجه به توافقات پ ک ک و دیگر نیروهای ناسیونالیست کرد در کردستان ترکیه و طرح و پروژه اوجلان برای آشتی با دولت ترکیه در اوایل بهار ۲۰۱۲، روی میز طرفهای درگیر قرار گرفت. زمانی که هزاران نفر از مردم کردستان ترکیه در کنار مردم شهرهای ترکیه بر سر مسئله میدان تقسیم به تظاهرات علیه دولت اردوغان پرداختند، پ ک ک بی ربطی خود به این همسرنوشتی اجتماعی و سیاسی در داخل ترکیه را از خود بنمایش گذاشت و اولویت برای پ ک ک همان پروژه صلح و آشتی و دست یابی به موقعیتی برای خود بود نه مبارزه برحق و واقعی مردم کرد زبان و ترک زبان در ترکیه. در جریان خیزش عمومی مردم در سال گذشته، پ ک ک عملاً در جبهه اردغان و در بهترین حالت در سکوت بسر برد. همسرنوشتی مردم کرد زبان و ترک زبان در جریان این اعتراضات که دولت را با مشکل جدی روبرو ساخته بود گویای واقعیت مناسبات مردم در مبارزه مشترک برای دست یابی به خواستههایشان بود نه بده و بستان و معامله دولت ترکیه با پ ک ک برای تاملین و تحقق آرزوهای ناسیونالیسم کرد.

کردستان عراق

کردستان عراق با داشتن حکومت محلی اقلیم متشکل از احزاب ناسیونالیست و دیگر جریانات اسلامی، خود با مشکلات عدیده بسیاری روبرو است. بعد از بهار عربی، با رسیدن بوی این نسیم "ترسناک" به مشام احزاب حاکم بر کردستان عراق، بلافاصله خیابانها و میادین شهرها نظامی و خواستههای برحق مردم بشدت با گلوله پاسخ داده شد. اکنون نیز بحران جنگ با داعش از یک سو و از سوی دیگر بدلیل فساد، چپاول و عشیره گری خاندان بارزانی و طالبانی با احزاب اسلامی و

همچنین ایجاد فاصله طبقاتی در جامعه، کردستان عراق هر آن با اعتراضات عمومی و اجتماعی جدیدی از سوی مردم روبرو است.

مسئله استقلال کردستان عراق که در یک فرآیند آزاد می توانست و همچنان می تواند مورد توافق ۹۹ درصد شهروندان کردستان عراق قرار گیرد، ممکن ترین و عملی ترین طرح برای مردم کردستان عراق برای تضمین حداقلی از امنیت و دوری از مواجه شدن با گرداب داعش بود اما بدلیل اهمیت و جایگاه کنونی ساختار اقلیم کردستان در شکل دو فاکتوری کنونی در پیوند با حکومت عراق و همچنین منافع مشترک احزاب ناسیونالیست حاکم بر اقلیم کردستان در مناسبات سیاسی و اقتصادی منطقه ای و جهانی، به طرح استقلال کردستان عراق روی خوش نشان داده نشد. برای احزاب ناسیونالیست و اسلامی حاکم بر کردستان عراق وجود بحران های کنونی در تحولات منطقه سود بخش تر از یک کردستان مستقل در عراق است. یک کردستان مستقل و دور از فضای جنگ و نزاعهای کنونی میتواند خواستها و مطالبات اجتماعی و طبقاتی مردم و کارگران را بمیدان رودررویی با حکومت تبدیل کند از این رو سپری کردن در باطلاق بحرانها برای تداوم وضع پادروهای موجود باب میل احزاب حاکم فعلی در حکومت اقلیم کردستان عراق است تا به بهانه اوضاع جنگی و دهها بهانه دیگر از این نوع، به باقی خود ادامه دهند.

کردستان ایران

در کردستان ایران علییرغم فعالیتهای گذشته حزب دمکرات کردستان و پیشینه اش، این حزب تاریخ پر فراز و نشیبی را برای تحقق آرمانهای ملی ناسیونالیسم کرد پشت سر گذاشته است. این حزب که اکنون در قامت دو حزب فعالیت دارد همگام با احزاب ناسیونالیست دیگری که فاقد جایگاه و پایگاه اجتماعی در کردستان ایران هستند، مدام در تلاش بوده اند که در سازش و معامله با حکومت مرکزی به موقعیتی برسند. احزاب و جریانات جنبش ناسیونالیستی کردستان ایران که سالها است در اردوگاههای کردستان عراق مستقر هستند، با گذشت بیش از سه ده از تغییر و

تحولات بسیاری که در اوضاع سیاسی جهان و منطقه بوجود آمده است، کامکان از همین سیاست پیروی میکنند. نمایندگان و سخنگویان احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان ایران، بارها بر روی این مسئله تاکید داشته اند که آنان فقط در چهارچوب نظام مرکزی حاکم بر کشور خواهان دست یابی به خواستههایشان هستند. آنان آرزوهایشان در چهارچوب رسیدن به مقام و منصبی اداری است که حکومت اسلامی کوچکترین توجهی حتی به این حقیرترین مطالبات نشان نمی دهد. این احزاب نیز "کنگره ملی کرد" و "اتحاد ملی" در میان احزاب ناسیونالیست کرد در دیگر بخشهای کردستان را بعنوان نمادی فرمال در جهت تقویت روحیه "ملی" رد نمی کنند اما تحقق اهداف خود را در سازش و معامله با حکومت مرکزی یعنی جمهوری اسلامی می بینند. کافی است که جمهوری اسلامی موازینی بر اساس معیارهای خود برای فعالیت علنی در داخل به آنان اعطا کند و افرادی را به پستهای محلی منصوب کند دیگر مشکلی با وضع موجود ندارند. خواست و مطالبه حزب دمکرات کردستان ایران در مقطع سال ۵۸ با نمایندگان خمینی در دولت موقت فراتر از این نبود.

چپ، کمونیزم و کارگر در کردستان

کردستان ایران در طول بیش از سه دهه گذشته تا به امروز ویژگیهای دیگری نسبت به بخشهای دیگر کردستان دارد. انقلاب سال ۵۷ در ایران نمونه ای گویا و شاهدهی تاریخی، زنده و مستند در دورد خواب و خیال ناسیونالیسم کرد در قامت حزب دمکرات کردستان ایران بود. جایگاه محوری شهرهای کردستان و چپ تحزب یافته آندوره در دفاع و برای به پیروزی رساندن انقلاب سال ۵۷ مردم در سراسر ایران و با خواستههای چپ، رادیکال و آزادیخواهانه که خواست و مطالبه انقلاب ۵۷ بود، یکی از نمونه های بارز و تاریخی در حاشیه ای کردن، افق، اهداف و سیاستهای ناسیونالیسم کرد در قامت حزب

دمکرات کردستان ایران بود. شرکت و ایفای نقش مردم شهرهای کردستان ایران در مبارزه مشترک و متحدانه علیه رژیم شاه، ادامه همین روند در دفاع پرشور از اهداف انقلاب ۵۷ دست در دست دیگر مردم شهرهای ایران و در مقابل حکومت تازه بقدرت رسیده اسلامی و افشا و ترد سیاستهای مماشات جویانه و سازش کارانه حزب ناسیونالیست کرد با خمینی و دولت موقت، تاریخ درخشان مردم و نیروهای چپ در کردستان ایران بوده است.

بدلیل حضور چپ اجتماعی و چپ تحزب یافته در کردستان ایران، نه تنها رویای کنگره ملی کرد بلکه آینده افق و سیاستهای خانواده ناسیونالیسم کرد در کردستان ایران بشدت حاشیه ای شده است. چپ اجتماعی و تحزب یافته در کردستان ایران بعنوان نماینده و سخنگوی جنبش دیگری در جامعه از پیشینه ای تاریخی و درخشان برخوردار است. حضور چپ اجتماعی و تاریخی تحزب یافته در کردستان ایران، وجود گرایش رادیکال اجتماعی، سکولار و ضد مذهب، برابری طلبی و مدرنیسم از یک سو و از سوی دیگر به میدان آمدن و رشد جنبش کارگری که یک سر آن در شهرهای کردستان و سر دیگر آن به تهران، اصفهان، تبریز، خوزستان و مابقی شهرهای صنعتی کشور وصل است، هر گونه مانوری از جنس تحریک ناسیونالیسم کرد را محدود کرده است. فاکتور ایفای نقش حضور قدرتمند جنبش کارگری، جنبشهای چپ و رادیکال اجتماعی کردستان ایران در فرادای تحولات سیاسی برای سرنگونی جمهوری اسلامی، بتنهایی امید و آرزوهای ملی و میهنی ناسیونالیسم کرد در منطقه را حاشیه ای تر خواهد کرد. گرایش چپ، ایفای نقش جنبش کارگری و جنبشهای رادیکال اجتماعی در شهرهای کردستان ایران، نقطه امید برای رنگ و بوی انقلاب آتی ایران و تاثیرگذاری بر فضای سیاسی و طرح خواستههای چپ و طبقاتی در دیگر بخشهای کردستان خواهد بود.

۲۷ ژانویه ۲۰۱۵

استقلال کردستان عراق ممکن ترین و عملی ترین راه حل برای مردم کردستان عراق است

از صفحه ۱ نگاه هفته: مجموعه ای از اخبار ...

حاضر و از رفتن به کلاس های درس امتناع نمودند. این اعتصاب در میان معلمان مقطع متوسطه چشمگیرتر بوده و معلمانی که در کلاس های درس حاضر شده از تدریس دروس خودداری کردند. طی روزهای یکشنبه و دوشنبه (بیست و هفتم و بیست و هشتم دی ماه)، شمار چشمگیری از معلمان شهرهای دیگر کردستان ایران به اداره اماکن احضار و تهدید شده بودند که از شرکت در این اعتصاب خودداری کنند. گفته می شود، شماری از معلمان شهرهای بوکان، مهاباد، پیرانشهر، اشنویه، ارومیه و نقده نیز در اعتراض به سیستم آموزشی به این اعتصاب پیوستند و از حضور در کلاس های درس خودداری نمودند.

اعتصاب معلمان مدارس سنندج

روز سه شنبه ۳۰ دیماه، معلمان و دبیران مدارس راهنمایی و دبیرستانهای شهر سنندج در هماهنگی با معلمان سراسر ایران دست به اعتصاب زدند. معلمان و دبیران مدارس سنندج در هماهنگی با معلمان سراسر ایران در اعتراض به وضعیت معیشت و پائین بودن حقوقهایشان از رفتن به سرکلاس درس خودداری کردند. معلمان در این حرکت اعتراضی علیرغم رفتن به مدرسه، از حاضر شدن در سرکلاسها خودداری کردند و با وجود دخالت نیروهای امنیتی رژیم همچنان از رفتن به سر کلاسها سرباز زدند.

تجمع اعتراضی فرهنگیان کرمانشاه مقابل اداره کل آموزش و پرورش

فرهنگیان استان کرمانشاه در اعتراض به عملکرد دولت و مدیرکل آموزش و پرورش کرمانشاه در مقابل این اداره کل تجمع کردند. تجمع کنندگان با شعارهایی مثل "دولت تدبیر و امید معلم از تو نا امید" و "مدیرکل ناتوان استعفا استعفا" اعتراض خود را اعلام کردند.

پاوه: در حمایت از محیط زیست.

فعالان محیط زیست در حرکتی

خودجوش با هدف حفظ محیط زیست اقدام به کاشت بذر درخت دیم "ون (بنه)" در باینگان نمودند. در این حرکت زیست محیطی، فعالان محیط زیست نزدیک به ۶ هزار بذر درخت دیم ون را کاشتند.

رسانه ها علیه بیکاری

کرمانشاه: دو نشریه "صدای آزادی" و "ابودر" در کرمانشاه برخلاف دفعات قبل به صورت متفاوت و منحصر بفرد چاپ و توزیع شدند. هفتنامه صدای آزادی بیرون آمدن صفحات خود در اوایل هفته جاری را نوعی "اعتراض به آمار بیکاری و وضعیت موجود" استان کرمانشاه عنوان کرده است. مدیر مسوول صدای آزادی درباره این اقدام جالب توجه نشریه گفته است: "چون عزمی در استان برای رفع مشکل بیکاری استان ندیدم مجبور شدم صدای خود را ینگونه به گوش مسوولین برسانم". در طول یک سال و نیم گذشته، نرخ بیکاری در استان کرمانشاه با افزایش ۵ درصدی، رکورد بی کاترین استان کشور را شکسته است. همچنین در راستای حمایت از صدای آزادی، روزنامه ابودر دیگر نشریه استان کرمانشاه نیز شماره روز گذشته را به صورت سفید منتشر کرد. در حال حاضر نرخ بیکاری در استان کرمانشاه ۱۵.۳ درصد می باشد.

خودکشی

جوانی ۲۱ ساله به نام "ر.الف" ساکن محله "سیدآباد" اشنویه از طریق حلق آویز نمودن با طناب دار اقدام به خودکشی کرد.

دستگیری

سفر: سلیمان عبیدی توسط اداره اماکن به دادگاه معرفی شد. سلیمان عبیدی معلم و یکی از برگزارکنندگان تحصن اعتراضی معلمان در سیام دی ماه می باشد. **ویدئو:** شیرکوه فرزند عبدالله توسط نیروهای اطلاعات در استان آذربایجان غربی بازداشت و به مکان نامعلومی انتقال داده شد.

سنندج: مهدی دعاگو از سوی شعبه یکم دادگاه انقلاب سنندج مطلع شده که باید روز بیست و پنجم بهمن ماه، خود را به دادگاه معرفی

نماید. مهدی دعاگو سال ۸۸ به دلیل شرکت در مراسم سالگرد ابراهیم لطف‌اللهی، به همراه شماری از دانشجویان بازداشت و سپس با تودیع وثیقه ۵۰ میلیونی آزاد شده بود.

اعدام

ارومیه: نورالدین سعیدی ۳۵ ساله فرزند ابراهیم در زندان اعدام شد. این زندانی از اهالی روستای "بالو" از توابع بخش مرکزی ارومیه است.

اصفهان: سلیمان احمدنژاد (ساکن شهر بوکان) بامداد یکم بهمن ماه در زندان مرکزی اصفهان به دار آویخته شد.

زندان

زندان: زینب جلالیان علیرغم اینکه زینب جلالیان بارها از مسئولین زندان دیزل آباد کرمانشاه تقاضای انتقال به شهر ماکو را کرده بود، اما به دستور دستگاه قضایی از زندان دیزل آباد کرمانشاه به زندان شهر خوی انتقال داده شده است. پیشتر زینب جلالیان در زندان کرمانشاه دچار بیماری "تاخنک" گردیده و این بیماری سبب تاری دید وی شده است که تاکنون نیز اقدامی جهت معالجه پزشکی وی صورت نگرفته است. دادستان کل کرمانشاه با عمل جراحی زینب جلالیان در بیرون از زندان مخالفت کرده بود و این زندانی همچنان نیز از بیماری چشم رنج می برد. زینب جلالیان در اسفندماه سال ۸۶ و در شهر کرمانشاه بازداشت شد. تاکنون از حق ملاقات با خانواده اش محروم بوده است. زینب جلالیان، به اتهام "محاربه" و عضویت در یکی از احزاب کردی از سوی دادگاه انقلاب ابتدا به اعدام و سپس به حبس ابد محکوم گردید.

کارگران

تجمع اعتراضی کارگران نانوا مقابل فرمانداری سنندج بهمن: بیش از ۱۵۰ کارگر نانوا در سنندج مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند. این کارگران به ثابت ماندن دستمزدشان از سال ۹۱ تاکنون معترض اند. مسئولان فرمانداری سنندج با کارگران درباره میزان افزایش مزد کارگران شاغل در نانوائی های سنندج وارد مذاکره شده اند. تجمع امروز کارگران در

پی آن برگزار می شود که مذاکرات نمایندگان کارگران و کارفرمایان در هفته های گذشته درباره افزایش مزد کارگران نانوا بی نتیجه مانده بود. کارگران میگویند: که نمایندگان کارفرمایان با افزایش مزد کارگران خباز حتی برای چند درصد نیز موافقت نمی کنند. دولت از اوایل آذر ماه قیمت نان را نزدیک به ۳۰ درصد گران کرده است اما دستمزد کارگران شاغل در نانوائی های سنندج از سال ۹۱ افزایش نداشته است. این در حالی است که دولت یکی از دلایل اصلی افزایش قیمت نان را افزایش دستمزد کارگران نانوا عنوان کرده بود.

تجمع چغندرکاران پیرانشهر و اشنویه

کشاوریان شهر و روستاهای اطراف "پیرانشهر و ارومیه" در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماهه حقوقهایشان در مقابل کارخانه قند تجمع و خواستار رسیدگی به حقوق معوقه خود شدند.

آزادی فردین میرکی از اعضای کمیته هماهنگی!

بنا به گزارش رسیده پنجشنبه ۱۱/۲/۹۳ در ساعت ۵ بعد از ظهر، فردین میرکی فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری پس از دو ماه بازداشت در بازداشتگاه اداره اطلاعات سنندج و پیگیریهای مداوم خانواده و فعالین کارگری، سرانجام با تودیع وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی آزاد گردید. لازم به ذکر است که این فعال کارگری مورد استقبال خانواده، دوستان و جمع کثیری از کارگران و فعالین کارگری شهر سنندج قرار گرفت. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری ضمن تبریک آزادی فردین میرکی به خانواده و تمامی کارگران و فعالین کارگری خواهان آزادی تمامی فعالین کارگری و زندانیان سیاسی در بند می باشد. فردین میرکی آزاد شد بر طبق اخبار واصله، فردین میرکی از فعالین کارگری سنندج که در روز تجمع به نفع کویانی توسط نیروهای امنیتی در سنندج بازداشت شده بود، پس از مدتها بازداشت آزاد شد. کانون مدافعان حقوق کارگر، آزادی این فعال کارگری را به خانواده ایشان و به خانواده بزرگ فعالین

کارگری تبریک میگوید. اطلاعاتیه شماره ۳۳ کمیته دفاع از فعالین کارگری مهاباد

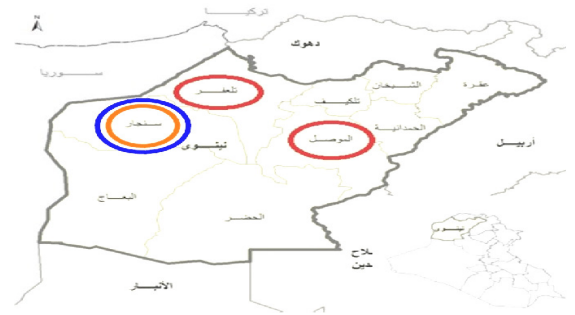
**Formularbeginn
Formularende****تجمع ۳۵ نفر از بازنشستگان در شعبه تامین اجتماعی سقر**

(کارگران بازنشسته به شیوه حسابرسی و محاسبه مستمری شان توسط سازمان تامین اجتماعی اعتراض دارند). حدود ۳۵ نفر از کارگران که تحت قانون بازنشستگی پیش از موعد بازنشسته شده اند صبح روز (یکشنبه ۲۸ دی) مقابل سازمان تامین اجتماعی در شهرستان سقر تجمع کردند. این تعداد از کارگران بازنشسته به شیوه محاسبه مستمری شان توسط سازمان تامین اجتماعی اعتراض دارند. سازمان تامین اجتماعی مستمري این کارگران بازنشسته را که سابقه کاری بیست و چهار یا بیست و پنج ساله دارند بر اساس میانگین حقوق آخرین دو سال کاری آنها حساب کرده است.

به گفته معترضان با وجود اینکه سازمان تامین اجتماعی حق بیمه پنج سال آخر را از کارفرما ها دریافت کرده، آن را در محاسبه مستمری کارگران بازنشسته حساب نکرده است. میزان مستمری بازنشستگی عبارت است از یک سی ام متوسط مزد یا حقوق بیمه شده ظرف دو سال آخر ضربدر سنوات پرداخت حق بیمه. به این ترتیب مستمری کارگران بازنشسته بجای این که بر مبنای سی سال پرداخت گردد فقط بر مبنای بیست و چهار سال پرداخت می شود. تعداد مستمری بگیران تامین اجتماعی که براساس قوانین کار و تامین اجتماعی در استخدام دستگاه های دولتی بودند و پنج سال پیش از موعد مقرر بازنشسته شده اند، حدوداً چهار هزار نفر می شود.

لازم به توضیح است که آنها در فاصله سالهای ۸۶ تا ۸۹ با مصوبه دولت و مجلس از مزایای سنوات ارفاقی استفاده کردند و پیش از موعد بازنشسته شدند. بر اساس مقرراتی که به بازنشستگی پیش از موعد این گروه از کارگران دولت منجر شد، سازمان تامین اجتماعی در زمان صدور حکم بازنشستگی این کارگران، حق بیمه و مستمری

"کانتون شنگال" و شکافهای بیشتر در صفوف ناسیونالیسم کرد



دو دستی تقدیم داعش کردند که نتایج دهشتناک آن واقعه دردناک یک فاجعه انسانی را آفرید که دنیا شاهد آن بود. پک ک طی این مدت بر روی این نقطه ضعف حکومت اقلیم و نیروهای حزب بارزانی متمرکز و با استقرار بخشی از نیروهای مسلح خود در کوههای شنگال، مشغول جذب نیرو از میان افراد مسلح ایزدی شنگال بوده است.

اکنون تنش بر سر شنگال بین پک ک از یک سو و از سوی دیگر احزاب شریک در حکومت اقلیم بطور عموم و حزب بارزانی بطور اخص بالا گرفته است. کانتونی کردن شنگال اولین بار از زبان دمیرتاش رهبر حزب دمکراتیک خلق عنوان شد. بعد از واکنشی که از سوی حکومت اقلیم کردستان نشان داده شد، دمیرتاش اعلام کرد که از صحبت‌های او سو برداشت شده است و هیچ منظور خاصی برای تبدیل شنگال به کانتون نداشته است. اما داستان به همینجا ختم نشد و بعضی از سخنگویان پک ک در کردستان عراق، در کردستان سوریه و مستقر در کوههای قنبدیل مجدداً قضیه کانتون شنگال را مطرح کردند. پک ک با طرح این مسئله و تکذیب‌های دست و پا شکسته، واکنش‌های مختلف را مزمزه کرد. بعد از سپری شدن این مدت اکنون دیگر پک ک بعنوان مختلف رسماً از کانتونی کردن شنگال دفاع می‌کند و حتی افرادی از آنان که در جریان تشکیل انجمن سرپرستی کانتون دخیل بوده اند، از طرح و برنامه و قوانینی که از قبل برای چگونگی اداره کردن این کانتون در دست تهیه بوده است حرف می‌زنند.

رقابت بین احزاب ناسیونالیست کرد پیشینه تاریخی تری دارد که از حوصله این نوشته خارج است اما

بعد از شروع اجرای طرح نظامی نیروهای ائتلاف از طریق هوا از یک سو و از سوی دیگر حضور زمینی نیروهای حکومت اقلیم کردستان و بخشی از نیروهای مسلح احزاب وابسته به پک ک برای باز پس گیری شنگال از داعش، با توجه به اینکه هنوز پیشروی قابل توجهی در باز پس گیری شنگال صورت نگرفته است، از هم اکنون رقابت احزاب و نیروهای مختلف ناسیونالیست کرد درگیر در منطقه بر سر شنگال بین حزب بارزانی که بخشی از احزاب حکومت را پشت سر خود دارد با پک ک که تعدادی از افراد مسلح ایزدی شنگال را طی این مدت با خود همراه کرده است آغاز شده است.

از اوایل ژانویه ۲۰۱۵ یک طرح نظامی هماهنگ برای بیرون راندن داعش از شنگال و مناطق اطراف آن آغاز شد که منجر به پیشروی‌های اندکی در قسمتهایی از مناطق اطراف و داخل شنگال شد. قبل از اجرای این طرح نظامی و از مقطع اشغال شنگال از سوی داعش در تابستان ۲۰۱۴، نیروهای مسلح وابسته به پک ک به همراه تعدادی از اهالی مسلح ایزدی و حدود هشت هزار نفر از اهالی ساکن شنگال، در ارتفاعات کوههای شنگال ماندگار شدند.

بعد از تهاجم داعش در تابستان سال گذشته برای تصرف شنگال، نیروهای نظامی حکومت اقلیم کردستان عراق بجای دفاع از شهر و دفاع از ساکنان ایزدی آنجا، همانند مقطع تصرف موصل از سوی داعش که ارتش عراق با برجای گذاشتن سلاح و مهمات پا به فرار گذاشتند، نیروهای حکومت اقلیم (پیشمرگان) نیز با خروج از شنگال و هزیمت از آنجا، در واقع شنگال را

فراهم نموده و پک ک طی این مدت توانسته است با استفاده از این نقطه ضعف نیروهای بارزانی در جریان تخلیه شنگال، تعدادی از افراد صاحب نام و با اتوریته ایزدی را با خود همراه کند. در تاریخ ۱۴ ژانویه ۲۰۱۵ که پیشروی‌هایی در اطراف شنگال بدست آمده بود، پک ک فرصت را غنیمت شمرد و حدود دویست نفر از اهالی مسلح و چند نفر صاحب نام از ایزدی‌های مستقر در کوههای شنگال را دور هم جمع نمود و دست به تشکیل انجمنی بنام انجمن اداره کانتون شنگال زد. جای پای تشویق و حمایت مادی جمهوری اسلامی در این مسئله قابل رویت است. این اتفاق واکنش حزب بارزانی و احزاب دیگر شریک در حکومت اقلیم کردستان را اینبار تندتر برانگیخت.

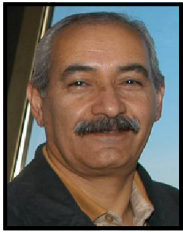
ابتدا سخنگویان پک ک اعلام کردند که اوجان چنین حرفی مبنی بر اعلام کانتون در شنگال زده است و تلویحا نقش خود را با این مجوز که این خواست مردم ایزدی شنگال است عنوان کردند اما در عالم واقع این پروژه مستقیماً از سوی پک ک و با حمایت جمهوری اسلامی طراحی شده است. مسئله دیگری که در این واقعه موضوع را بغرنج تر کرده است این است که در جریان جلسه ای که انجمن کانتون شنگال در ۱۴ ژانویه برای اعلام کانتونی کردن شنگال برگزار شده بود، یکی از مقامات بالای اتحادیه میهنی طالبانی در این جلسه اعلام انجمن کانتون شنگال شرکت داشت و سخنانی هم کرده است. حضور او مورد انتقاد حزب بارزانی است.

دست داشتن عناصر اطلاعاتی و طراحان نظامی جمهوری اسلامی در این ماجرا به صف بندی‌های دولتهای منطقه و احزاب ناسیونالیست کرد که هر یک در یکی از این دایره‌ها قرار گرفته اند برمیگردد. اول اینکه جمهوری اسلامی در رقابت و اختلاف با دولت ترکیه که در مقابل فشار اسد ایستاده بود، دوم اینکه در میان احزاب حاکم در اقلیم کردستان از اتحادیه میهنی حمایت پرشوری می‌کند با توجه به اینکه این حمایتها یکطرفه نیست و اتحادیه میهنی هم دارد به وظیفه خود در قبال جمهوری اسلامی عمل می‌کند، سوم اینکه حزب دمکرات

همینقدر میتوان گفت که، پک ک و حزب دمکرات بارزانی هر یک جداگانه خود را نیروی اول در منطقه میدانند. بیشتر این احزاب در رقابت با هم دست در دست دولتهای منطقه جنگهای خونباری علیه همدیگر برافراشته اند. سال ۲۰۱۳ در جریان تدارک "کنگره ملی کرد" بر سر اینکه کدام یک از این دو حزب دست بالا را در این کنگره داشته باشد اختلاف بروز کرد. اما بر زمین افتادن جنازه کنگره ملی کرد علت اصلی اختلافات این دو حزب نیست بلکه دلایل پایه ای تری دارد که در نوشته دیگری بطور جداگانه به آن خواهیم پرداخت. اکنون دعوا بر سر شنگال نیز به پیشینه اختلافات تاریخی این دو حزب اضافه شده است که بدون نشان دادن نقش جمهوری اسلامی و کلا معادلات در اوضاع منطقه قابل توضیح نیست. جمهوری اسلامی یک پای اصلی آتش بیار معرکه در تحولات منطقه و از جمله قضیه کانتونی کردن شنگال است.

پک ک می‌گوید که در جریان تصرف شنگال از سوی داعش، نیروهای حکومت اقلیم کردستان و مشخصاً افراد مسلح حزب بارزانی منطقه را رها کرده و پا بفرار گذاشتند. از سوی دیگر نیز در گذشته بعد از تصرف شنگال از سوی داعش و بر بستر این اختلافات و رقابتهای بین این دو حزب، پک ک، فاجعه شنگال، آوارگی مردم آنجا و اسارت و کشتن زنان و مردان ایزدی را متوجه کوتاهی و عدم احساس مسئولیت حزب دمکرات بارزانی و حکومت اقلیم کردستان می‌کند. این مسئله سبب شده است که بخشی از ایزدی‌های ساکن شنگال به سوی پک ک سمپاتی نشان دهند. این کشش و سمپاتی مشخصاً در میان افراد مسلح ایزدی تنها به این موضوع خلاصه نمی‌شود بلکه بدلیل موقعیت جغرافیایی استان نینوا و از جمله نواحی شنگال در مرز بودن با کردستان سوریه که محل فعالیت احزاب وابسته به پک ک بوده است و حضور فیزیکی و فکری پک ک در آن نواحی، بیش زمینه‌های قبلی تری برای فراهم نمودن این سمپاتی بوده است.

این اتفاق زمینه‌هایی را برای نفوذ بیشتر پک ک در این نواحی



عبدل گلپریان

بارزانی در جبهه دولت ترکیه و یکی از احزاب رقیب اتحادیه میهنی در حکومت اقلیم کردستان عراق است و بالاخره چهارم اینکه در این صفت‌ها جمهوری اسلامی از پک ک حمایت میکند.

از نظر قانونی شنگال جزو استان نینوا در شمال غربی عراق است و از آنجا که طبق ماده ۱۴۰ قانون عراق بین حکومت مرکزی و حکومت اقلیم بر سر آن کشاکش وجود دارد، حکومت اقلیم طبق این ماده شنگال را بعنوان بخشی از مناطق کردنشین حکومت اقلیم محسوب می‌کند. در واقع بردن شنگال بسوی ایجاد یک کانتون از سوی پک ک و از نظر قانونی حساسیت هر چه بیشتر حکومت اقلیم کردستان عراق که این منطقه بخشی از دعوی ماده ۱۴۰ است، دولت مرکزی عراق هم ترجیحش تبدیل کردن شنگال به کانتون است که در صف بندی و دعوا بر سر شنگال در کنار جمهوری اسلامی می‌ایستد البته در این اوضاع آشفته بازاری که در منطقه ایجاد شده است در میان احزاب و نیروهای ناسیونالیست کرد اتکا به قانون و موازین قانونی در درجه اول اهمیت قرار ندارد بلکه رقابت، سهم خواهی، گلوله اسلحه، تهدید و نهایتاً بده و بستان، حرف اول را می‌زند.

با توجه به آنچه که اشاره شد، در حالی دعوی احزاب ناسیونالیست و نیروهای مسلح بر سر تصاحب شدن شنگال در جریان است که هنوز بخش بیشتری از شنگال در دست داعش است و جنگ همچنان در آنجا جریان دارد. و مهمتر از همه در طول چند ماه گذشته هزاران نفر از مردم ایزدی ساکن در شنگال، کشته و زخمی شدند، تعداد زیادی هنوز اسیر در دست داعش هستند و چند هزار نفر در اردوگاههای آوارگان در شمال کردستان عراق بسر می‌برند.

از صفحه ۱ اخبار هفتگی از رویدادهای ...

بنا به گزارشی متکدیان شهر سلیمانیه چنان رو به افزایش بوده، که سال ۲۰۱۴ هئیتی مخصوص به آنها تشکیل شده که توانسته در این سال ۴۰۰ نفر از آنان را دستگیر کند، که بیش از ۶۰٪ این تعداد را زنان تشکیل می دادند.

این گزارش می افزاید که تعداد کمی از دستگیر شدگان اهل سلیمانیه بوده اند و بیشتر از شهرهای جنوب عراق و تعدادی هم اهل ایران بوده اند. لازم به ذکر است که انسان در نگاه اول فکر می کند که بالاخره هیتی جهت رسیدگی به وضعیت متکدیان تشکیل شده و شاید این هیئت بتواند متکدیان محتاج یک لقمه نان را از این وضعیت اسفبار در بیاورد، اما متأسفانه نه تنها این نیست، بلکه همین خبر در خود می فزاید که متکدیان بعد از دستگیری آنهایی که اهل شهر نبودند به مناطق خود فرستاده شدند، تعدادی محاکمه شدند و تعدادی هم جریمه نقلی شدند و به این ترتیب احزاب ناسیونالیست حاکم بر اقلیم کردستان راه حل خود را در مقابل، آوارگی، فقر، گرانی و نداری که خود بخشی از مسبب آن هستند نشان دادند و به این ترتیب فکر می کنند با پاک کردن متکدیان محتاج از خیابانها می توانند به ۲۴ سال سرکوب، دزدی و چپاول خود سرپوش بگذارند.

حضور آنجیلا جولی در کمپ آوارگان در دهوک!

اوائل این هفته آنجیلا جولی هنرپیشه مشهور آمریکائی و نماینده ویژه سازمان ملل در امور پناهندگی وارد اقلیم کردستان شد و از یکی از کمپهای آوارگان سوری و شنگالی در نزدیکیهای شهر دهوک دیدار کرد. لازم به ذکر است که در

نتیجه وحشیگریهای داعش در عراق و سوریه هم اکنون دهها هزار نفر از آوارگان سوری و عراقی و ویژه مردم شنگال در کمپهای آوارگان در اقلیم کردستان جای داده شده اند و در شرایط بسیار اسفناکی زندگی می کنند.

پرداخت حقوقهای معوقه چند وزارتخانه دیگر!

بنا به خبری از وبسایت ان آر تی، روز دوشنبه ۲۶ ژانویه حقوقهای معوقه ماه یازده ۲۰۱۴، چند وزارتخانه دیگر از کارمندان دولت اقلیم کردستان پرداخت می شود. این خبر می افزاید که، امروز دوشنبه ۲۶ ژانویه حقوق کارمندان وزارت کشاورزی، شهرانی، توریسم، خانواده شهدا و انفالها پرداخت می شود. لازم به ذکر است که در چند هفته گذشته اعتراضات بخشهای زیادی از کارمندان دولت اقلیم نسبت به پرداخت نشدن حقوقهای معوقه خود بسیار بالا بوده و همین هفته گذشته بود که کارمندان وزارت بهداشت التماوم داده بودند که در صورت پرداخت نشدن حقوقهای معوقه خود وارد اعتصاب خواهند شد.

تصویب بودجه حلبچه بعنوان یکی دیگر از استانهای عراق!

حلبچه که در سال ۲۰۱۳ بعنوان آخرین استان عراق به رسمیت شناخته شد، قرار است به زودی بودجه سال ۲۰۱۵ آن توسط هئیت دارائی پارلمان عراق تصویب شود. در گزارشی در این باره آمده است که بعد از تصویب بودجه حلبچه بعنوان یک استان، اقلیم کردستان موظف است که بودجه آنرا برسمت بشناسد و تامین کند. لازم به ذکر است که حلبچه شهری که در سال ۱۹۸۸ و در گرماگرم جنگ ارتجاعی ایران و عراق مورد هجوم وحشیانه بمباران

شیمائی دولت بعث عراق قرار گرفت و بیش از ۵۰۰۰ هزار نفر از مردم آن در کمتر از چند دقیقه جانشان را از دست دادند. از آن تاریخ به بعد و بخصوص بعد از قدرت گیری احزاب ناسیونالیست کرد که همگی به ظاهر برای حلبچه و مردمش اشک تمساح می ریزند، یکی از فقیرترین مناطق اقلیم کردستان بوده و مردم این دیار بارها علیه کم توجهی احزاب حاکم دست به اعتراض و مبارزه زده اند.

دو خودکشی در شهر اربیل، در کمتر از یک هفته!

روز ۲۵ ژانویه پلیس شهر اربیل جنازه مردی را به اسم بارش باران پیدا کرده که در خانه اش خود را حلق آویز کرده بود. کاروان خوشناو سخنگوی پلیس اربیل می گوید "بعد از تحقیقات اولیه معلوم شد که بارش اهل کردستان سوریه است و بیگار بوده"، همچنین این سخنگوی پلیس گفت که چهارشنبه گذشته هم جنازه یک مرد ۳۲ ساله دیگر را که او هم خود را حلق آویز کرده بود در شهر اربیل پیدا شده است.

یک حمله نیروهای داعش در ۶۰ کیلومتری شهر اربیل در هم شکسته شد!

بر اساس گزارشی از جبهه مخمور در ۶۰ کیلومتری جنوب شهر اربیل شب ۲۴ ژانویه یک حمله نیروهای داعش به دو روستای این منطقه درهم شکسته شده. یکی از فرماندهان نیروهای پیشمرگ اقلیم کردستان به اسم سوچی باکرمانی در این باره گفت "شب گذشته داعش با حمله به دو روستای تلریم و تلشعیر توانستند بخشی از روستای تلریم را اشغال کنند، که در حمله ای متقابل، نیروهای ما توانستند آنها را وادار به عقب نشینی کنند و ضرباتی را نیز بر آنان وارد کنند."

* * *

از صفحه ۶ نگاه هفته: مجموعه ای از اخبار ...

مربوط به سنوات ارفاقی را به نرخ روز حساب کرده و علاوه بر آن بابت هر سال باقیمانده تا پر شدن سابقه پرداخت حق بیمه، مبلغ اضافی دیگری را که بصورت پلکانی و با ضریب ۱.۱ محاسبه می شد، پرداخت کرده است. بر این اساس چنانچه در سال ۸۶ قرار بود یک کارگر شاغل در دستگاه دولتی با استفاده از این مصوبه پس از ۲۵ سال پرداخت حق بیمه بصورت پیش از موعد بازنشسته شود، دولت در مقام کارفرما به نرخ سال ۸۶ معادل ۵ سال حق بیمه را به سازمان تامین اجتماعی پرداخت کرده و از سوی دیگر بابت همین ۵ سال، مبلغ اضافی دیگری را که با ضریب ۱.۱ و بصورت پلکانی و تصاعدی محاسبه می شد نیز به سازمان تامین اجتماعی پرداخت کرده است.

طبق گفته بازنشستگان، سازمان تامین اجتماعی در شرایطی که بابت بازنشستگی پیش از موعد آن ها همه هزینه های جانبی را محاسبه و از کارفرما دریافت کرده است اما در محاسبه و پرداخت مستمیری آن ها بد حسابی و کم فروشی کرده است. بر این اساس در شرایطی که مبنای محاسبه مستمیری بازنشستگی بیمه شدگان سازمان تامین اجتماعی، میانگین جمع حقوق بیمه پرداخت شده ی دو سال آخر سابقه کاری است، سازمان تامین اجتماعی مستمیری این تعداد از بازنشستگان پیش از موعد را بدون در نظر گرفتن هزینه های مربوط به سنوات ارفاقی محاسبه کرده است. معترضان به این شیوه ی محاسبه سازمان تامین اجتماعی اعتراض دارند و

مدعی اند که بر طبق قانون کارفرمایان آن ها همه ی هزینه های اضافی بازنشستگی پیش از موعد آن ها را پرداخت کرده اند، و دلیلی ندارد که این هزینه ها در محاسبه مستمیری های آن ها لحاظ نشود. بازنشستگان معترض می گویند که مستمیری آنان، که بدون محاسبه ۵ سال ارفاق سنوات بازنشسته شده اند، با یک بازنشسته ی معمولی که با سنوات کامل بازنشسته شده است حدود یک میلیون تومان اختلاف دارد.

این تعداد از بازنشستگان با یادآوری اینکه در فاصله سالهای ۸۶ تا ۹۰ حدود ۵ هزار نفر از آن ها با طرح دعوی در دیوان عدالت اداری توانستند سازمان تامین اجتماعی را نسبت به تغییر شیوه محاسبه مستمیری های خود وادار سازند، می گویند از سال ۹۰ سازمان تامین اجتماعی در شیوه بازنگری مستمیری همه ی بیمه شدگانی که با چنین وضعیتی بازنشسته بودند تجدید نظر کرد، اما در نهایت از سال ۹۱ تاکنون این سازمان به استناد رای جدید دیوان عدالت اداری در محاسبه مستمیری های آن ها به شیوه سابق کم فروشی و بدحسابی کرده و هزینه های مربوط به سنوات ارفاقی را نادیده گرفته است. قابل ذکر است معترضین در ساعت یازده ونیم به تجمع خود پایان داده و به سازمان تامین اجتماعی مطالبات خود دست از تجمع بر نخواهند داشت. قرار تجمع بعدی روز دوشنبه است. "کمیتته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری"

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سر دبیر

Tel: 00358 405758250

E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!